

نقش حوزه علمیه کرمان در انقلاب اسلامی

جواد عباس رودباری

چکیده

یکی از عوامل مهم پیروزی انقلاب اسلامی نقش حوزه‌های علمیه در همه عرصه‌های انقلاب می‌باشد که حوزه‌های علمیه به مثابه یک نیروی قوی و قدرتمند برحسب اعتقادات مذهبی در سایه رهبری امام خمینی رحمه الیه علم مخالفت با رژیم منحوس پهلوی را در مناطق گوناگون برافراشتند و هدایت مبارزات مردمی را بر عهده گرفتند و در این امر مهم نقش حوزه علمیه کرمان به دلیل وجود حوزه‌های علمیه غنی و علمای بصیر در این شهر حائز اهمیت است. ما در این نوشته در صدد بیان نقش حوزه علمیه کرمان در انقلاب اسلامی هستیم. روحانیون بسیاری در حوزه‌های علمیه این شهر پرورش یافتند این روحانیون پس از مدتی برای فراگیری و کسب علم به قم مهاجرت می‌کردند و در این شهر با فعالیت‌های مبارزاتی که از جانب روحانیت آغاز شده بود آشنا شدند و به جمع یاران امام پیوستند پس از آن به شهرها خصوصا کرمان جهت ادامه فعالیت‌های مبارزاتی مهاجرت می‌کردند. از جمله کارکردهای حوزه علمیه کرمان: سخنرانی، صدور و پخش اعلامیه‌ها و بیانیه‌ها، تهیه طومار برگزاری کانون‌های جلسات گوناگون و چاپ نشریه اشاره کرد و در همین راستا مساجد محور اصلی فعالیت‌ها بودند. و به دلیل تبعید علمای مخالف رژیم به کرمان این استان به یکی از کانون‌های اصلی ضد رژیم تبدیل شد چرا که در تعاملات صورت گرفته بین مردم و روحانیون تبعیدی حتی روستاها و مناطق دور دست هم با انقلاب امام آشنا شدند و به مخالفت رژیم برخاستند.

واژه‌های کلیدی: حوزه علمیه، کرمان، انقلاب اسلامی، رژیم پهلوی.

مقدمه

حمله به فیضیه فروردین در سال ۱۳۴۲ ش

با فرا رسیدن سال جدید ۱۳۴۲ ش امام خمینی در واکنش به انقلاب سفید شاه، عید نوروز را عزای عمومی اعلام کرد و در صبح روز دوم فروردین، که هم زمان با سالگرد شهادت امام صادق علیه السلام بود، مراسم سوگواری در منزل امام در قم برپا شد. عصر آن روز چماقداران شاه به مدرسه فیضیه حمله کردند و جمعیت زیادی را شهید، مجروح و دستگیر کردند. هم زمان در تبریز به مدرسه طالبیه هم حمله شد.

حادثه خونین فیضیه پیامدهای مختلفی داشت و بر خلاف انتظار رژیم مبارزه را جدی و آشکارتر کرد. روحانیون تهران، قم، مشهد، اصفهان، شیراز، کرمان و برخی دیگر از شهرستان‌ها به منظور ابراز همدردی و پشتیبانی از حوزه علمیه قم به مدت یک هفته دست به اعتصاب زدند و از رفتن به مساجد و اقامه نماز جماعت خوداری کردند.^۱

علمای قم و شهرستان‌ها برای اعتراض به دستگیری امام خمینی به تهران آمدند. رژیم شاه برای جلوگیری از حرکت بزرگ‌تر، امام خمینی و سایر علمای دستگیر شده را آزاد کرد و امام در فروردین سال ۴۲ میان استقبال پر شور مردم وارد قم شد.

۲۵ شوال بود، دو ماه تا محرم و صفر باقی مانده بود که در این دو ماه جامعه ایران، از جمله کرمان برای سوگواری‌های ایام محرم آماده می‌شدند. به طوری که در ماه محرم اعلامیه‌های امام پخش می‌شد که فرموده بودند: «در این ایام عاشورا نوحه خوانی، سینه زنی و سخنرانی‌ها باید درباره مظالم دستگاه جبار وقت باشد.» از هفتم محرم در سخنرانی‌ها حمله به دستگاه جبار، صریحا انجام گرفت.

۱. روحانی حمید، بررسی تحلیلی از نهضت امام خمینی، ج ۱ ص ۳۵۸.

حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی هم در ماجرای حمله به مدرسه فیضیه شرکت داشتند. بعد از حمله، مأمورین شاه از بالای بام طلاب را پایین پرت می‌کردند و تعداد بسیاری شهید و مجروح شدند. فاجعه‌ای بود که بعد از آن امام در پاسخ تسلیتی که برای مرحوم آیت الله بروجردی در تهران فرستاده بودند، اعلامیه‌ی بسیار کوبنده‌ای را صادر کردند که تقریباً اولین حمله‌ی مستقیم به شخص شاه بود و در سراسر ایران اثر بسیار زیادی داشت. مرحوم حجت الاسلام آقای شیخ عباس حسنی، که نماینده‌ی مردم کرمان در مجلس اسلامی در دوره سوم بود، از قم به کرمان رفت و در جلسه‌ای که با طلاب داشت، شرح ماجرای قم و مدرسه فیضیه را گفت. اولین کاری که طلاب انجام دادند چاپ اعلامیه‌ها در ۵۰۰۰ نسخه بود و جالب این بود که آن وقت دستگاه رژیم در کرمان برای درک اوضاع بسیار آماده بود و احساس هم نمی‌شد که مسئله‌ای وجود داشته باشد. این اعلامیه‌ها شهر کرمان را بسیار منقلب کرد، چون این طرز صحبت کردن در برابر شاه سابقه نداشت. باز گویی فاجعه فیضیه و عمامه‌های روحانیون را از سر برداشتن و چماق کشیدن مأمورین، مردم را بسیار منقلب کرد. حتی در مسجد جامع پس از شنیدن فاجعه فیضیه، صدای شیون و گریه زن و مرد بلند شد.^۱

حجت الاسلام محمد جواد حجتی کرمانی در تشریح فعالیت علماء در قالب برگزاری مراسم سوگواری در کرمان چنین می‌گوید:

«در کرمان هم ما این جلسات را داشتیم، خود من، آقای موحد، آقای ترابی و سایرین در باره نهضت روحانیت، مسئله‌ی فیضیه و رهبری امام خمینی (ره) صحبت می‌کردیم. در روز تا سوعا در مسجد جامع کرمان با آن که مقامات،

۱. روح الامینی، فاطمه، و شاه‌رخی سعید، انقلاب اسلامی در کرمان «به نقل از: حجت الاسلام محمد جواد حجتی کرمانی» ص ۲۲.



شخصیت‌ها و تمام رجال کرمان از استاندار و فرمانده ی لشگر گرفته تا فرمانده ژندارمری و رؤسای ادارات حضور داشتند، من بالای منبر رفتم صحن حیاط و تمام اتاق‌های اطراف از جمعیت پر بود، من اهداف نهضت را آن جا بیان کردم و با صداقت صحبت کردم. آن جلسه اثر بسیار خوبی در روحیه مردم داشت. آن روزهای خاص، شاه نسبت به جریانات سیاسی بسیار حساس بود و از تمام کشور گزارش می‌خواست. امام خمینی روز عاشورای آن سال در مدرسه فیضیه سخنرانی کردند و خطاب به شاه تندترین جملات را ادا کردند. امام را روز دوازدهم محرم یعنی دو روز بعد از این سخنرانی دستگیر کردند؛ من در کرمان بودم که خبر دستگیری امام را شنیدم. ما در کرمان منبر می‌رفتیم و از ادامه مبارزه صحبت می‌کردیم. در تهران علماء از تمام ایران جمع می‌شدند. ما هم در کرمان به فعالیت می‌پرداختیم»^۱.

فعالیت علمای کرمان در ماجرای ۱۵ خرداد

پس از ماجرای ۱۵ خرداد و دستگیری حضرت امام فعالیت‌هایی در زمینه روشنگری در مورد این قیام در شهرهای مختلف از جمله کرمان صورت گرفت. از فعالان این عرصه در کرمان می‌توان به دکتر محمد جواد باهنر، حجت الاسلام علی اکبر هاشمی رفسنجانی، حجت الاسلام محمد جواد حجتی و حاج سید یحیی جعفری اشاره کرد. حجت الاسلام سید یحیی جعفری نحوه فعالیت را چنین بیان می‌کند:

یادم هست که در مبارزات ۱۳ آبان ۱۳۴۳ شمسی در رابطه با تبعید امام خمینی به ترکیه روحانیت مبارز در سراسر کشور از جمله در کرمان فعالیت‌هایی را آغاز کردند. البته جو خفقان و اختناق حاکم بر جامعه با وجود ساواک مشکلات عدیده‌ای را ایجاد می‌کرد و هر کسی تن به پخش اعلامیه‌ها و نوارهای

۱. روح الامینی، فاطمه، و شاه‌رخی سعید، «به نقل از: حجت الاسلام محمد جواد حجتی کرمانی» «انقلاب اسلامی در کرمان ص ۲۰-۲۱».

امام نمی‌داد؛ مگر اینکه از جان گذشته باشد در کرمان هم از طریق آقایان دکتر محمد جواد باهنر، حجت الاسلام علی اکبر هاشمی رفسنجانی، حجت الاسلام محمد جواد حجتی و... اعلامیه‌ها و اخبار به اطلاع روحانیت مبارز کرمان می‌رسید و کما بیش فعالیت‌هایی در این زمینه شکل می‌گرفت، من هم که امام جماعت مسجدالرضا واقع در خیابان حافظ بودم وقتی منبر می‌رفتم برای مردم در این مورد صحبت می‌کردم و کارم جنبه روشنگری داشت.

من یادم هست مرحوم شهید باهنر، اهل کرمان، یکی از کسانی بود که ما با او در ارتباط بودیم؛ ما را راهنمایی و هدایت میکرد درست یادم هست که تلفنی به من گفت: حبیب الله تیمار می‌آید کرمان شما به استقبالش بروید او هم جزو مبارزین و مخالفین شاه بود. من استقبال او رفتم.^۱

شیخ محمدمهدی موحدی اوضاع آن روزهای کرمان را اینگونه تشریح می‌کند:

«شب سوم یا چهارم منبر من (در مسجد جامع کرمان) بود که تعدادی وارد مسجد شدند و یکی دو نفر از دوستان گفتند شنیدی؟ گفتم نه چطور؟ گفتند که آیت الله خمینی، آیت الله محلاتی و آیت الله قمی را دستگیر کرده‌اند. من خیلی ناراحت شدم و احساس مسئولیت کردم می‌دانستم که برنامه دولت این است که نگذارد کسی صحبت کند؛ من آن شب منبر رفتم برای اولین مرتبه در مورد امام(ره) صحبت کردم؛ اکثر مردم اسم امام را نشنیده بودند، نمی‌شناختند و حتی بعضی از روحانیون و خواص هم موقعیت ایشان را نمی‌دانستند. من سخنرانی داغی کردم و به دولت اعتراض کردم و حتی دولت را تهدید کردم. گفتم: اگر یک مو از سر آیت الله خمینی کم بشود دولت باید خسارت زیادی را تحمل

۱. روح الامینی، فاطمه، وشاهرخی سعید، انقلاب اسلامی در کرمان ص ۱۹-۲۰ ناشر سازمان اسناد و کتابخانه ملی منطقه جنوب شرق کشور به نقل از: حجت الاسلام حاج سید یحیی جعفری.

بکند. در اثنای صحبت کردن من بود که رئیس شهربانی و یک افسر وارد مسجد شدند در هر حال من حرفهایم را زدم و وقتی از منبر پایین آمدم دوستان اطراف من را گرفتند که صدمه‌ای از اینها به من نرسد و من را توی یک خانه‌ای بردند، دیگر من فردا شب نتوانستم منبر بروم. به آقای حاجتی پیام دادم و گفتم آقا این رشته باید ادامه پیدا کند شما فردا شب به مسجد جامع بروید. ایشان هم در آنجا منبر رفتند به هر حال بعد از این مرا یک تبعید نیمه اجباری کرده بودند از کرمان به یکی از دهات اطراف فرستادند؛ چند وقتی آنجا بودم بعد از مدتی آمدند عذر خواهی کردند و ما را به شهر برگرداندند»^۱.

درخواست روحانیت کرمان مبنی بر آزادی آیت الله خمینی (۲۲/ خرداد/ ۴۲ش)

گزارش ساواک در رابطه با سخنرانی و اظهارات حجت الاسلام فخر مهدوی مبنی بر اینکه جامعه روحانیت کرمان با نهایت نظم و آرامش و رعایت مقررات و قوانین از رؤسای و مقاماتی عالی و انتظامی تقاضا دارند آنها را به سمع اولیای امور برسانند و همان طوری که هیئت دولت حافظ منافع سیاسی و اجتماعی ملت هستند مقامات روحانی هم پاسدار دین و مبانی مذهبی و آیت الله خمینی استاد مسلم در علوم معقول و فلسفه بوده و چنین شخصی چگونه ممکن است آلت اجرای مقاصد دیکتاتوری غرب شود و به خلاف منافع ملی اقدام نماید و همان طوری که چندی قبل دولت تصویب نامه مربوط به انجمن‌های ایالتی و ولایتی را منسوخ کرد که موجب رضایت مقامات روحانی را فراهم ساخت استدعا می‌شود با آزادی آیت الله خمینی همه روحانیون را از خود راضی و مسرور نمایند.^۲

۱. روح الامینی، فاطمه، و شاهرخی سعید، «به نقل از: حاج شیخ محمد مهدی موحدی»؛ انقلاب اسلامی در کرمان ص ۲۲ ناشر سازمان اسناد و کتابخانه ملی منطقه جنوب شرق کشور.
۲. روح الامینی، فاطمه، و شاهرخی سعید، انقلاب اسلامی در کرمان ص ۲۲ صص ۲۹.

حمایت از نهضت امام خمینی(ره)

از مهمترین فعالیت‌های آیت الله شیخ محمد حسن نجفی می‌توان به مبارزات سیاسی و مذهبی ایشان در مقاطع مختلف حیات وی اشاره نمود، از جمله در جریان طرح متحدالشکل شدن لباس - دوره رضاخانی - وی به رغم داشتن مجوز اجتهاد از چندین عالم بزرگ نجف، چندی مجبور به عدم استفاده از لباس روحانیت شد که در نهایت با زحمت زیاد و تحمل اهانت و توهین‌های مأمورین، موفق به دریافت مجوز لباس روحانیت شد. یا در جریان طرح دیگر رضاخانی، یعنی کشف حجاب زنان، وی از سرسخت‌ترین مخالفین این طرح در ناحیه رفسنجان بود که از این رهگذر لطمات و صدمات زیادی از ناحیه مأمورین حکومتی به وی وارد آمد.

جلوگیری از برپایی مراسم مذهبی، عزاداری، وعظ و خطابه از دیگر اقدامات حکومت رضاخانی بود که در تمامی ایران همراه با اقدامات و واکنش‌های علما و مردم بود. در رفسنجان نیز به رغم فشارهایی که مأمورین در اجرای این نیت داشتند اما باز منزل آیت الله نجفی کانون تجمع متدینین و مؤمنین بود و به همین دلیل ایشان بارها مورد ضرب و شتم و اهانت مأمورین قرار گرفت.

اوج مبارزات آیت الله نجفی را می‌توان همزمان با شروع نهضت حضرت امام خمینی(ره) بر شمرد. وی از سال ۱۳۴۱ شمسی تا پایان عمر خویش در تمامی مراحل و مقاطع حساس با تشکیل مجالس، صدور اعلامیه و تلگراف، مکاتبه و هماهنگی با علماء و مبارزین به حضرت امام در این راه تلاش‌های شایانی نمود. از آن جمله در جریان تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی و دیگر مسائل مربوط به آن - که با مخالفت علما و در رأس آنها حضرت امام همراه بود آقای نجفی با انجام فعالیت‌هایی چون: تشکیل جلسات، ارسال طومار، نامه و تلگراف و... پشتیبانی خود را از حرکت حضرت امام اعلام نمود.



مبارزات روحانیون و در رأس آنان حضرت امام با کاپیتولاسیون و دیگر انحرافات رژیم پهلوی که در نهایت منجر به تبعید حضرت امام شد، در تمام ایران انعکاس و حوادث زیادی به دنبال داشت. در رفسنجان نیز آیت الله نجفی در رأس حرکت‌ها و مبارزات مردم و روحانیون این ناحیه بود.^۱

رحلت سید مصطفی خمینی و واکنش علمای کرمان

در اول آبان ماه ۱۳۵۶ ش، آیت الله سیدمصطفی خمینی، فرزند ارشد امام که به همراه ایشان در نجف در تبعید بود و بخش قابل توجهی از مبارزات را هدایت و هماهنگی می‌کرد و تألیفات ارزشمندی در فقه و اصول و تفسیر قرآن از خود بر جا گذاشت به طرز مشکوکی از دنیا رفت؛ برخلاف تصورات رژیم این حادثه باعث برگزاری مراسم ختم‌های متعددی برای آن مرحوم در سراسر کشور شد.

در کرمان هم برگزاری مراسم چهلم که زیر نظر و حضور مأمورین ساواک و شهربانی که به طور راهرویی از داخل خیابان تا داخل مسجد جهت ارباب مردم ایستاده بودند اولین حضور مردمی در رابطه با ارتباط مردم با امام راحل (ره) بود که سخنران آن جلسه حجه الاسلام سید جعفری بودند که مسائل را بر طبق فتوای امام راحل (ره) در مسجد امام رضا علیه السلام واقع در خیابان حافظ بعد از اقامه ی نماز جماعت جهت نمازگزاران توضیح می‌دادند.^۲

روشنگری روحانیت کرمان در آستانه انقلاب

وقایع انقلاب کرمان از مرداد و شهریور اوج گرفت و سر آغاز حرکت جمعی مردم و راهپیمایی‌ها از رمضان سال ۵۷ با سخنرانی شهید حجت الاسلام کامیاب که از سخنرانان متعهد جهت برگزاری ایام ماه رمضان بر طبق سنت سال‌های قبل دعوت شده بود، شروع گردیده بر طبق روال سال‌های گذشته، ایشان بعد از اقامه ی نمازظهر و عصر در مسجد جامع منبر می‌رفتند.

۱. روح الامینی، فاطمه، و شاهرخی سعید انقلاب اسلامی در کرمان ص ۵۳.

۲. به نقل از: علوی راد، پدیده؛ روح الامینی، فاطمه، و شاهرخی سعید انقلاب اسلامی در کرمان ص ۸۱.

صحبت‌های ایشان از همان روز آغازین با روشنگری و رسوا کردن رژیم و نقاط ضعف حکومت و حمله به نظام شاهنشاهی شروع، به طوری که در روزهای سوم و چهارم به بعد تعدادی از مردم اطراف مسجد به صورت راهپیمایی حرکت و شعار الله اکبر و لاله الا الله می‌دادند که همین حرکت آغازین و صحبت‌های روزهای بعد شهید کامیاب باعث گردید، که انقلاب در کرمان با شتاب افزونتری حرکت خود را آغاز نماید.

در هر صورت باید اذعان کرد حجت الاسلام شهید کامیاب که بعد از پیروزی توسط منافقین به شهادت رسید، حق فراموش نشدنی در رابطه با انقلاب در کرمان دارد.^۱

حادثه آتش زدن مسجد جامع

در ۲۴ مهر ماه سال ۱۳۵۷ش عوامل مزدور رژیم پهلوی در رابطه با فعالیت‌های انقلابی مردم شهر کرمان، مسجد جامع شهر کرمان را به آتش کشیدند و عده‌ای را کشتند. این رخداد، پس از وقوعش تاثیر مستقیم و بارزی بر جریان مبارزات مردم کرمان حتی استان‌های دیگر کشور داشت.

روز حادثه ی مسجد جامع حجت الاسلام صمدی بالای منبر در حال سخنرانی راجع به امام و انقلاب بود که یک سری کولی‌های چماق به دست با پشتیبانی نیروهای گارد به مردم مبارز که در شبستان و داخل مسجد جامع، مراسم گرامی داشت چهلمین روز شهدای میدان ژاله تهران را برگزار می‌کردند، حمله کردند.^۲

عده‌ای از جوانان انقلابی با شکستن دریچه‌های پشت شبستان مرحوم آیت الله صالحی و سایر روحانیون از جمله حجت الاسلام نیشابوری که از ناحیه

۱. روح الامینی، فاطمه، و شاهرخی سعید، «به نقل از: بیدالله علوی راد»؛ انقلاب اسلامی در کرمان ص ۱۲۶ ناشر سازمان اسناد و کتابخانه ملی منطقه جنوب شرق کشور.

۲. روح الامینی، فاطمه و شاهرخی سعید، «به نقل از: فاطمه ارجمندی»؛ انقلاب اسلامی در کرمان ص ۱۴۱.



دست آسیب دیده بود و حجت الاسلام صمدانی و حجت الاسلام شیخ محمد حسین موحدی را به بیرون از مسجد منتقل کردند. در آن روز تعداد زیادی زخمی و مصدوم شدند و به روحانیون هتک حرمت کردند و بی شرمانه با سنگ و چوپ و چماق به جان مردم انقلابی افتادند. مأموران شبستان مسجد جامع را به آتش کشیدند که بسیاری از قرآن‌ها و کتاب‌های ادعیه سوخته شد.^۱

راهپیمایی مردم و روحانیت به مناسبت حادثه ی آتش سوزی مسجد جامع

روحانیت مبارز کرمان به نشانه عزا قسمتی از عمامه خود را دور گردن انداخته و اعلام کردند: مرگ سرخ به از زندگی ننگین است. پس از فاجعه مسجد جامع یک هفته در مسجد بسته بود و هیچ کس از آن رفت و آمد نمی‌کرد و هیچ برنامه‌ای در آن اجرا نمی‌شد.

یک هفته بعد از این حادثه مرکز اصلی تظاهرات و تصمیم گیرهای مردم مبارز کرمان محوطه آموزش و پرورش بود،

پس از این حادثه مردم و فرهنگیان وارد مسجد جامع شدند و یاد زخمی‌ها و کشته شدگان حادثه مسجد جامع را گرامی داشتند و مردم، روحانیون و فرهنگیان تنفر و انزجار خود را از رژیم پهلوی اعلام کردند و حجت الاسلام شیخ علی ایرانمنش در این تجمع به سخنرانی پرداخت و ابعاد مختلف حادثه ی مسجد جامع را گرامی داشتند و سپس حجت الاسلام فخرالواعین قطعنامه ی روحانیون را نسبت به همدردی با فرهنگیان، قرائت کرد. در این جلسه، حجت الاسلام حاج سید یحیی جعفری سخنانی ایراد فرمود و همدردی جامعه ی روحانیون را با فرهنگیان اعلام نمود.

هنگام بازگشت از مراسم روز هفت واقعه مسجد جامع، فرهنگیان با همان آرایش و ترکیب قبلی مسیر خیابان شریعتی را به سمت اداره ی کل آموزش

۱. به نقل از: خردپژوه. علی؛ انقلاب اسلامی در کرمان ص ۱۳۶.

و پرورش طی کردند و همزمان روحانیت شریف کرمان نیز به طور جمعی در پیاده روی کردند هنگامی که راهپیمایان به سه راه خیابان گنجعلی خان رسیدند حجت الاسلام شیخ محمد حسین موحدی به نمایندگی از سوی روحانیت ضمن تذکر بعضی مطالب و یاد آوری مظالم رژیم و تکرار خواسته‌های امت در پایان با این عبارت که «ما به مدرسه خود می‌رویم (مدرسه معصومیه) و شما هم به مدرسه خود بروید (آموزش و پرورش) از فرهنگیان خدا حافظی کردند»^۱.

واقعه ۴ آذر و خواندن شعار وحدت

قبل از آنکه روز چهارم واقعه مسجد جامع فرا برسد حجت الاسلام محمد جواد حجتی کرمانی از تبعید مراجعت و مورد استقبال مردم شهر قرار گرفتند و حضور ایشان در کرمان به اجتماعات در راهپیمایی و جلسات تصمیم‌گیری حال و هوای دیگری بخشید.

روز چهارم آذر از سوی روحانیت به عنوان چهارم واقعه مسجد جامع تعیین و اعلام شد، فرهنگیان و مردم با در دست داشتن پلاکاردهایی و عکس‌های امام با صفوفی منظم راهپیمایی خود را به سمت مسجد جامع شروع کردند هنگامی که به مسجد رسیدند، عده‌ای از داخل مسجد بیرون آمده و با دادن شعار از راهپیمایان استقبال کردند و از این لحظه تمامی قشرها در هم آمیخته و با شعار واحد وارد مسجد شدند و در نتیجه پس از تلاوت آیاتی از کلام خدا و اشعاری که توسط یکی از فرهنگیان سرود شده بود و افشاگری یکی از کسانی که به تازگی از تبعید برگشته بود، حجت الاسلام محمد جواد حجتی کرمانی سخنرانی کرد و در پایان از مردم خواست شعار وحدت (که از تعقیبات مشترکه نمازهای یومیه است) با وی به صدای بلند بخوانند. شاید این اولین باری بود که عباراتی

۱. روح الامینی، فاطمه، و شاه‌رخی سعید، به نقل از: ساوه، عبدالحسین؛ انقلاب اسلامی در کرمان ص ۱۴۳-۱۵۰.



از مفاتیح به عنوان یک شعار حماسی بر زبان‌ها جاری می‌شد که البته بعد از انقلاب به عنوان شعار وحدت در سراسر کشور متداول گردید.

آقای حجتی در خلال سخنان خود پیشنهاد کرد که غرفه‌ها و شبستان‌های مساجد را به کلاس درس تبدیل کنیم و حال که مدارس تعطیل شده، خواست که پیوند میان معلمان و دانش‌آموزان با تشکیل این کلاس‌ها حفظ و محکمتر شود.^۱

تظاهرات محرم و سقوط سلطنت پهلوی

یکی از فرازهای مهم و سرنوشت‌ساز انقلاب اسلامی تظاهرات و راهپیمایی تاریخی مردم در عاشورای ۱۳۵۷ است. با آغاز ماه محرم؛ امام خمینی با صدور پیامی که برخاسته از ماهیت و فلسفه قیام عاشورا بود مردم را به راهپیمایی در این روز بزرگ دعوت کردند. با وجود برقراری حکومت نظامی مردم در اولین شب محرم به خیابان‌ها آمدند. اما رژیم، عزاداران حسینی را به گلوله بست. کشتار بی رحمانه مردم در جنوب تهران و سایر شهرهای کشور زمینه را برای راهپیمایی عظیم تاسوعا و عاشورا فراهم کرد.

مردم کرمان نیز در صبح عاشورا شهیدی به نام حسن توکلی زاده فرزند مرحوم حجت الاسلام حاج شیخ احمد توکلی که اولین طلبه هفده ساله بود تقدیم انقلاب کردند و در یک مراسم با شکوه جهت تشیع پیکر پاکش به طرف مسجد صاحب الزمان حرکت کردند.^۲

حضور علماء در مراسم تاسوعای حسینی ۱۳۵۷

با فرا رسیدن ماه محرم سراسر کشور یک پارچه شور و مبارزه شد. برنامه این بود که هیئت‌های عزاداری متفرق در روز عاشورا در صف واحد به صورت راهپیمایی در شهرها حرکت کنند و در یک محل اجتماع و عزاداری نمایند. در

۱. روح الامینی، فاطمه، شاهرخی، سعید، انقلاب اسلامی در کرمان ص ۱۶۷ ناشر سازمان اسناد و کتابخانه ملی منطقه جنوب شرق کشور.

۲. همان، ص ۱۷۳، ناشر سازمان اسناد و کتابخانه ملی منطقه جنوب شرق کشور.

کرمان نیز طبق برنامه ریزی قبلی صبح تاسوعا مردم در مسجد امام خمینی اجتماع کردند و بعد از قرائت شعارها راهپیمایی شروع شد در این راهپیمایی مرحوم آیت الله صالحی و چندتن دیگر که به دلیل کهولت و کسالت نمی توانستند این مسیر را پیاده طی کنند، داخل یک اتومبیل پیکان در جلوی جمعیت، حرکت مردمی را همراهی می کردند.

در محوطه پرورشگاه صنعتی سابق (موزه کنونی) مقابل درب ورودی مجسمه نیم تنه محمدرضا پهلوی نصب شده بود، در جریان همین راهپیمایی عده ای از برادران آن را از جای کردند و در پناه موج مردم درون صندوق عقب اتومبیل حامل مرحوم آیت الله صالحی قرار دادند. تراکم جمعیت و همکاری آنان باعث شد که مأموران ساواک مجسمه را گم کرده و نتوانند آن را تعقیب کنند. با این ترتیب در کرمان اولین مجسمه طاغوت، روز تاسوعا به دست مردم از جای کنده و منهدم شد. پس از سر دادن شعارهای متعدد، جناب حجت الاسلام محمد جواد حجتی سخنرانی کرد و پس از آن حاج آقا صمدانی به ذکر مصیبت امام حسین علیه السلام پرداخت و لحظاتی از ظهر گذشته بود که مراسم خاتمه یافت.^۱

کمیته تنظیم اعتصابات

از سوی امام خمینی کمیته ای به منظور اعتصابات تعیین شد. وظیفه کمیته یاد شده این بود که اعتصابات به نحوی صورت گیرد که رژیم شاه به زانو در آید، اما به ثروت های ملی کشور آسیب نرسد و معیشت مردم از حداقل ممکن پایین تر نیاید، یکی از اعضای کمیته، شهید دکتر محمدجواد باهنر بود که ضمن تماس با انقلابیون کرمان ابعاد قضیه زغال سنگ را مطرح نمود و با توافق نمایندگان زغال سنگ قرار شد تولید زغال در حدی ادامه پیدا کند که باعث خاموشی و سرد شدن کورها نگردد. لیکن تولید عادی موکل به زمانی شد که

۱. روح الامینی، فاطمه، شاهرخی، سعید، به نقل از: عبدالحسین ساوه؛ و انقلاب اسلامی در کرمان ۱۷۵-۱۷۶، ناشر، سازمان اسناد و کتابخانه ملی منطقه جنوب شرق کشور.



طاغوت سرنگون شده و حکومت اسلامی برقرار گردد و روند تولید به همین ترتیب تا پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ادامه یافت.^۱

تحصن شرکت ملی ذوب آهن و زغال سنگ کرمان و نقش روحانیت در آن

به علت عدم استخراج زغال سنگ از معادن کرمان و عدم حمل زغال جهت گرم نگه داشتن کوره ی بلند ذوب آهن اصفهان، آن کوره از کار افتاده بود. حبیب الله جلال کمالی پشت تربیون که در صحن اداره آموزش و پرورش نصب شده بود رفت و اعلام کرد که کار کنان ذوب آهن از این تاریخ به حمایت از آقایان حاج شیخ علی ایرانمنش، عبدالحسین ساوه و برادران مشار زاده که توسط ساواک شبانه دستگیر و به نقطه نامعلومی اعزام کرده بودند، در اردوی کوی ذوب آهن تا زمان آزادی ایشان دست به تحصن خواهیم زد و فردای آن روز مقررات تحصن در اداره فراهم گردید. در این تحصن روحانیت مبارز کرمان از متحصنین حمایت کردند، و تنی چند از روحانیون از جمله: حجت الاسلام سید محمود دعایی و آقای عبدالمجید معادیخواه و حجت الاسلام محمدجواد حجتی برای سخنرانی در جمع متحصنین حضور پیدا می کردند. بعد از مدتی عبدالحسین ساوه و شیخ علی ایرانمنش و مهندس محمدرضا و علی مشارزاده آزاد شدند و به متحصنین پیوستند و متحصنین اعلام کردند تا ورود حضرت آیت الله خمینی به ایران دست از تحصن بر نمی دارند.^۲

تلاوت آیات قرآن در اثناء راهپیمایی توسط طلبه

در رابطه با حادثه حمله به دانشگاه و شهادت استاد کامران نجات الهی در کرمان نیز استادان و دانشجویان برای محکوم کردن این حادثه دست به راهپیمایی زدند.

۱. همان.

۲. همان.



در سال ۵۷ در اوج سختگیری و اوج خفقان که در راهپیمایی‌ها شرکت می‌کردم ۱۹ ساله بودم یکی از روزهایی که مأمورین رژیم خیلی سختگیری می‌کردند و اعلام کرده بودند در راهپیمایی اجازه ندارید هیچ گونه شعاری را سر بدهید و راهپیمایی باید آرام و بدون سروصدا باشد، در حال حرکت بودیم که حجت الاسلام محمد جواد حجتی که در کنار من حرکت می‌کردند به من گفتند چقدر خوب بود آیاتی از قرآن تلاوت می‌شد و یادم هست که دو طرف خیابان مأموران رژیم مسلح به سپر و کلاه و باتوم و مردم را زیر نظر داشتند؛ در همین حین به یک ماشین پلیس رسیدیم که یک راننده ی جوان در آن نشسته بود، یک دفعه ما در ماشین را باز کردیم و با تهدید او را مجبور کردیم که پیاده شود. به خواست خدا او هم فوراً از ماشین پیاده شد من هم داخل ماشین پلیس نشستم و شروع به تلاوت آیات مبارکه قرآن کردم که از بلندگویی همان ماشین پلیس پخش می‌شد.^۱

نقش روحانیت در کار توزیع بنزین

نظارت بر توزیع بنزین در جایگاه‌های کرمان، به جوانان سپرده شد و از روز چهارشنبه ۵۷/۱۰/۲۱ گروهی از جوانان با بازو بند (انتظامات اسلامی) در جایگاه‌های پمپ بنزین بودند و بیشتر رانندگان، صاحبان اتومبیل‌ها و رانندگان تاکسی برای تهیه بنزین و سوختگیری وسایل نقلیه خود، باید ساعت‌ها در صف می‌ماندند، چه بسا بین چند نفر برای تهیه بنزین برخوردی روی می‌داد و کار به کشمکش می‌کشید. بنابراین به پیشنهاد چند تن از علماء و روحانیون، نظارت بر توزیع بنزین به جوانان داوطلب کار انتظامات اسلامی واگذار شد.^۲

نقش عالم کرمانی در جلوگیری از گشتار مردم توسط رژیم در راهپیمایی ۵۷/۱۰/۲۸

کارکنان و قضات دادگستری کرمان به اتفاق مردم و روحانیت از مسجد امام خمینی (ملک) به طرف مسجد جامع در حال حرکت بودیم متوجه شدیم که

۱. همان، ص ۲۱۵، ناشر، سازمان اسناد و کتابخانه ملی منطقه جنوب شرق کشور.

۲. همان، ص ۲۶۷، ناشر، سازمان اسناد و کتابخانه ملی منطقه جنوب شرق کشور.



عوامل بازدارنده شهربانی با ماسک و سپر و سرنیزه عرض خیابان را بسته و سرنیزه‌ها را به سر تفنگ هایشان نصب کرده و آنها را به طرف جمعیت در حال حرکت گرفته بودند.

یک طلبه جوان که محلی نبود و احتمالاً از قوم آمده بود، بر روی کاپوت یک ماشین ایستاد و با جوش و خروش و پرحرارت و هیجان عمامه اش را به کناری پرت نمود و شروع به تحریک احساسات مردم و تشجیع آنها و تحریک مأمورین گارد نمود که به صورت معجزه آسایی حجت الاسلام محمد جواد حجتی جلوی صف تظاهرکنندگان قرار گرفت؛ و با صدای بلند اعلام نمود که ای مردم ما با این مأمورین سرجنگ و دعوا نداریم و ما قصد آشوب و فتنه گری نداریم و با این صحبت‌ها، آتش خشم فرماندهان و مأمورین را خاموش کرد و گرنه خدا می‌داند که آن روز چه اتفاقات ناگواری رخ می‌داد که ایشان بازهم همانند تجمع روزهای گذشته در مسجد امام جلوی قتل و کشت و کشتار مردم را گرفت که خدایش خیر دهد.^۱

حضور روحانیت در مسجد امام ۵۷/۱۰/۲۲

بیش از ۱۵۰ تن از روحانیون به همراه مردم مبارز کرمان در یک راهپیمایی عظیم شرکت کردند و پیروزی انقلاب اسلامی را جشن گرفتند. رؤسای کلاتری ها، شهربانی و ژاندارمری کرمان و افسران در مسجد (ملک) امام خمینی کرمان در اجتماع بزرگ مردم شرکت کردند و همبستگی خود را با مردم کرمان اعلام داشتند. و کمیته‌های هماهنگی به منظور جمع آوری کمک‌های مردم در مساجد امام و جامع کرمان تشکیل شد.

۱. همان، ص ۲۲۰، ناشر، سازمان اسناد و کتابخانه ملی منطقه جنوب شرق کشور.

آیت الله صالحی کرمانی در پیامی خطاب به مردم کرمان ضمن تبریک پیروزی انقلاب اسلامی ایران مردم را از هرگونه آشوب و تخریب اماکن عمومی و سازمان‌های دولتی برحذر داشت.^۱

۱. همان، ص ۲۳۸-۲۳۷، ناشر سازمان اسناد و کتابخانه ملی منطقه جنوب شرق کشور.

نتیجه گیری

یکی از عوامل مهم پیروزی انقلاب اسلامی نقش حوزه‌های علمیه در همه عرصه‌های انقلاب می‌باشد. در این امر مهم نقش حوزه علمیه کرمان به دلیل وجود حوزه‌های علمیه غنی و علمای بصیر در این شهر حائز اهمیت است. روحانیون بسیاری در حوزه‌های علمیه این شهر پرورش یافتند این روحانیون پس از مدتی برای فراگیری و کسب علم به قم مهاجرت می‌کردند و در این شهر با فعالیت‌های مبارزاتی که از جانب روحانیت آغاز شده بود آشنا شدند و به جمع یاران امام پیوستند پس از آن به شهرها خصوصا کرمان جهت ادامه فعالیت‌های مبارزاتی مهاجرت می‌کردند. از جمله کار کردهای حوزه علمیه کرمان: سخنرانی، صدور و پخش اعلامیه‌ها و بیانیه‌ها، تهیه طومار برگزاری کانون‌های جلسات گوناگون و چاپ نشریه اشاره کرد و در همین راستا مساجد محور اصلی فعالیت‌ها بودند و به دلیل تبعید علمای مخالف رژیم به کرمان این استان به یکی از کانون‌های اصلی ضد رژیم تبدیل شد چرا که در تعاملات صورت گرفته بین مردم و روحانیون تبعیدی حتی روستاها و مناطق دور دست هم با انقلاب امام آشنا شدند و به مخالفت رژیم برخاستند.

